

به یاد رودی پارت*

(۱۹۰۱-۱۹۸۳)

نوشته: ویلیام ا. گراهام

ترجمه: عباس امام



رودی پارت، استاد بازنشسته دانشگاه [و مترجم آلمانی قرآن]، پس از سپری کردن عصری دراز و پربار در زمینه پژوهشهای عربی و اسلامی، در تاریخ سی و یکم ژانویه سال ۱۹۸۳ در خانه خود در شهر توپینگن آلمان چشم از جهان فرو بست. رودی پارت به تاریخ سوم آوریل ۱۹۰۱ در دهکده بلک فارست (Black Forest) در منطقه ویتندورف (Wittendorf) چشم به دنیا گشود. پدرش که کشیشی پروتستان مذهب بود، ویلهلم پارت (Wilhelm P. Paret) نام داشت، و مادرش ماریا مولر پارت (Maria Müller Paret). پارت پس از به پایان رساندن تحصیلات دبیرستانی خود در مدرسه علوم دینی نیدر (Niedere) در سال ۱۹۲۰، وارد دانشگاه توپینگن شد و به تحصیل در رشته کلام مسیحی پرداخت. طولی نکشید که از

* مشخصات کتاب‌شناختی اصل انگلیسی این مقاله به شرح زیر است:

William A. Graham, «In Memoriam-Rudi Paret (1901-1983)», in *The Muslim World*, 73iii (1983), pp. 133-141.

با سپاس از همکار گرامی آقای دکتر عبدالرضا نواح (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز) به خاطر ترجمه عناوین آلمانی منابع مذکور در متن. (مترجم)

این رشته به مطالعه زبان و ادبیات سامی و اسلامی روی آورد، و در سال ۱۹۲۴ در حالی که بیش از بیست و سه سال از سن او نمی‌گذشت، موفق به دریافت مدرک دکترا در آن رشته گردید. موضوع پایان‌نامه دوره دکترا وی تحقیق در مورد یکی از رمانس‌های معروف عربی با عنوان «زندگی سیف بن ذی یزن»^۱ بود که او این پژوهش را زیر نظر اَنُو لیتمان (Enno Littmann) که در آن زمان استاد ادبیات عامیانه عربی بود، به انجام رساند.

پارت پس از انجام یک دوره پژوهش در فاصله بین سالهای ۲۵-۱۹۲۴ در کشور مصر، در سال ۱۹۲۶ تز فوق دکترا خود را در مورد یکی دیگر از آثار ادبیات عامیانه عرب، یعنی حماسه عمرالنعمان، منتشر ساخت.^۲ در همان سال در دانشگاه توپینگن به عنوان مربی دانشگاه (Dozent) دست یافت. در سال ۱۹۳۰، به عنوان مدرس دانشگاهی راهی هایدلبرگ شد و تا سال ۱۹۳۵ مراحل و مدارج رشد و ترقی علمی را پشت سر گذاشت. در سال ۱۹۴۱، به مقام استادی کرسی پژوهشهای شرقی دانشگاه

بُن ارتقا یافت. اما در این گیرودار، وقوع آشوبهای ناشی از جنگ جهانی دوم، تداوم این دوره از فعالیتهای علمی وی را به تأخیر انداخت و او به ناچار بخش عمده پنج سال بعدی زندگی خود را در خارج از آلمان به سر برد؛ ابتدا به عنوان افسر ارتش در فرانسه و شمال آفریقا

1. *Sīrat Saif ibn Dhī Jazan. Ein arabischer Volksroman*, (Hannover: Heinz Lafaire, 1924).

2. *Der Ritter-Roman von 'Umar an-Nu'mān und seine Stellung zur Sammlung von Tausendundeine Nacht. Ein Beitrag zur arabischen Literaturgeschichte*, (Tübingen: Mohr [Paul Siebeck], 1927). Reprinted in Rudi Paret, *Schriften zum Islam. Volksroman-Frauenfrage- Bilderverbot*, ed. Josef van Ess (Stuttgart, etc.: Kohlhammer, 1981), pp. 17-70.

به یادرودی پارت (۸) □

خدمت کرد، و سپس بین سالهای ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۶ در اسارت نیروهای نظامی آمریکا به سر برد. پس از پایان جنگ، پارت به بُن بازگشت و مدت پنج سال در آنجا زندگی کرد و در سال ۱۹۴۸ با خانم حنا کوپرز (Hanna Küppers) ازدواج کرد و زندگی مشترک آنها تاسی و پنج سال آخر زندگی پارت به درازا کشید. وی بیشتر این سی و پنج سال را دوباره در توینگن سپری کرد، و دلیل آن نیز این بود که پارت در سال ۱۹۵۱ دعوت دانشگاه توینگن برای تصدی استادی کرسی پژوهشهای عربی - اسلامی و در عین حال مدیریت مجمع شرق شناسی آنجا را پذیرفت. او تا هفده سال بعد، این سمت را برای خویش حفظ کرد، یعنی تا زمانی که در سال ۱۹۶۸ در سن شصت و هفت سالگی بازنشسته شد. پس از بازنشستگی پارت، وی و همسرش تصمیم گرفتند بقیه عمر خود را در توینگن سپری کنند. در توینگن، هرچند از حجم کارهای پارت اندکی کاسته شد، اما وی تا یکی دو سال آخر عمر خویش (یعنی زمانی که در سن ۸۲ سالگی بدرود حیات گفت) دست از پژوهش نکشید. دوره کاری رودی پارت، گستره بیش از شش دهه فعالیت گسترده و تحول و تغییر در گرایشهای تحقیقاتی را دربر می گیرد. یکی از این زمینه‌ها، مطالعات خاور نزدیک و اسلامی بود که در آلمان عمده‌تاً با عنوان پژوهشهای خاورشناسی (Orientalistik) شناخته می‌شوند. برای بسیاری از ما که متعلق به نسلهای جدیدتر و با این پژوهشها مرتبط هستیم، پارت در واقع یکی از واپسین نمونه‌های عالی چند تن از بزرگان پژوهشهای اسلامی (با رویکرد آلمانی) به شمار می‌آید؛ نمونه شخصیت‌های برجسته‌ای همچون تئودور نلدکه (Theodor Nöldeke، درگذشته ۱۹۳۰)، کارل هاینریش بکر (Karl Heinrich Becker، درگذشته ۱۹۳۳) و یوزف هوروویتس (Josef Horowitz، درگذشته ۱۹۳۱). روش کار پارت از نظر تنوع زمینه‌های گوناگون پژوهشی دقیقاً در راستای سنت خاورشناسی آلمانی بود، اما به ویژه در زمینه‌های قرآن پژوهی این نکته از برجستگی خاصی برخوردار بود. در دوره پس از پایان جنگ جهانی دوم، پارت عملاً به پرچمدار منحصر به فرد سنت دیرپای قرآن پژوهی تبدیل شد. به این ترتیب، وی به میراث‌داری کسانی از اسلام شناسان آلمانی قرن نوزدهم همچون گوستاو وایل (Gustav Weil) گرفته تا نلدکه، هوروویتس، فریدریک شوالی (Friedrich Schwally)، گوتهلّف بَرگِشترِسر (Gotthelf Bergsträsser) و اُتو پِرِثسل (Otto Pretzl) از اسلام شناسان چهار دهه نخست این قرن، تبدیل شد. ارتباط طولانی پارت با قرآن و تفاسیر قرآنی، با انتشار ترجمه

مثنوی یک جلدی قرآن، (در سال ۱۹۶۲)^۳ و نیز انتشار جلد ضمیمه آن در قالب تفسیر و کشف اللغات در سال ۱۹۷۱^۴ نمایانگر اوج کار وی بود. ترجمه قرآن پارت که وی نخستین بار در سال ۱۹۳۵^۵ قصد طراحی و انتشار آن را اعلام کرده بود، چه به لحاظ دقت و آگاهی در برگردان ادبی و چه از لحاظ توضیحات مربوط به آیات متشابه و دشوار قرآن نمونه بسیار مناسبی بود. سبک این ترجمه، خشک و حتی غیرعادی بوده و به هیچ وجه شاعرانه نیست، اما در هر حال در آن زمان قصد مترجم آن نبود که قرآن را به آلمانی بازآفرینی کند، بلکه قصد داشت متنی را در اختیار دانشجویان قرار دهد که برخوردار از حداکثر صحت معنایی - مفهومی باشد، به خصوص در صورت امکان معنای تحت اللفظی اولیه و اصلی واژه‌ها و تعابیر. هرچند پارت از تفاسیر مهم مسلمانان (به ویژه تفاسیر طبری و زمخشری) در کار خود استفاده نمود، اما در مجموع قصد داشت در متون اساسی مشابه قرآن، معیارهای کاربردی و معنایی را به صورت رسمی و اساسی بیابد. این موضوع به ویژه در مورد کتاب تفسیر و کشف اللغات قرآن (*Kommentar und Konkordanz*) صدق می‌کند. در این کتاب، پارت نه تنها هر آیه را شرح کرده و ترجمه‌های متفاوت و متعدد آن را ارائه نموده، بلکه علاوه بر آن به دیگر آیات مشابه یا همسان قرآنی نیز اشاره کرده است. این ابتکار عمل پارت باعث شده تا این اثر به ویژه از نظر انطباق با دیگر منابع معتبر کشف اللغات و کشف الآیات مشابه در زبان عربی (در زمینه قرآن پژوهی و مطالعات زبان عربی) به ابزاری بسیار ارزشمند تبدیل گردد. از دیگر اقدامات مثبت رودی پارت در زمینه قرآن پژوهی، می‌توان به آثار فراوان بعد از جنگ وی اشاره کرد؛ آثاری که در آنها به جنبه‌هایی از قرآن یا تفسیر آن پرداخته است. از میان این آثار، می‌توان به دست‌کم ۲۰ مقاله کوتاه و بلند^۶ یک کتاب کامل^۷ و بیش از ۳۰ نقد

3. *Der Koran. Übersetzung* (Stuttgart etc.: Kohlhammer, 1962 [Rev. paperback ed. 1972, 1980]).

4. *Der Koran. Kommentar und Konkordanz*, (Stutthart etc.: Kohlhammer, 1971 [2nd ed. 1977. paperback ed. with Addendum, 1980]).

5. «Der Plan einer neuen, leicht kommentierten wissenschaftlichen Koranübersetzung», in R. Paret. ed., *Orientalische Studien. Festschrift E. Littmann*, (Leiden, 1935), pp. 121-30.

6. فهرستی از آثار و نوشته‌های اصلی پارت را در کتاب *Schriften zum Islam*، ص ۹-۱۶ ببینید که از این به بعد با

□ به یاد رودی پارت ۸۳ □

کتاب^۸ در زمینه‌های مربوطه اشاره کرد. حتی در اواخر عمر که به دلیل ضعف بینایی، مطالعه کردن و توانایی نگارش وی دچار مشکل شده بود، همواره درگیر انجام دیگر پژوهشهای خود در زمینه تفسیر قرآن، تصحیح متون یا اصلاح ترجمه‌های پیشین بود، چرا که هیچ کس به اندازه شخص وی از عظمت و پایان ناپذیری کار درک و ترجمه چنین متنی آگاهی نداشت. تقریباً آخرین نوشته پارت پژوهشی بود راجع به معنای واژه قرآنی «صمد» در سوره توحید. آخرین نامه وی به نگارنده این سطور نیز نشان دهنده جدیت او در پیگیری دقیق امر ترجمه قرآن است. وی در این نامه به صورت گذرا از این گلایه کرده که در یکی از آثار جدید مربوط به تاریخ اسلام نویسنده متن (که خود یکی از اسلام‌شناسان صاحب‌نام غربی است) از یکی از آثار پارت که در سال ۱۹۶۲ منتشر شده نقل قولهایی کرده، بدون آنکه توجه کند که پارت در چاپ ۱۹۷۱ تفسیر خود (که در چاپ دوم ترجمه وی در سال ۱۹۷۹ نیز منعکس شده) تصحیحاتی را در آن مورد انجام داده است.

در مطالعات قرآن‌پژوهی رودی پارت، شاهد تأکید خاص دیگری از وی نیز هستیم که این ویژگی جزو کلیت پژوهشهای علمی او به‌شمار می‌آید؛ منظورم تأکید و علاقه خاص اوست به درمیان گذاشتن نتایج تحقیقات علمی خود با خوانندگان غیرمتخصص و نیز با دانشجویان جدیدالورود رشته اسلام‌شناسی. کتاب مقدماتی و در عین حال استادانه وی با عنوان محمد و قرآن که به بحث در مورد پیدایش

عنوان اختصاری «Paret-Bibliography» ذکر می‌شود. مقالات پارت در ص ۱۰-۱۲ آمده‌اند. برای عناوین مقالات قرآنی وی به این شماره‌ها نگاه کنید: ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۴۸، ۴۹ و ۵۴.

7. *Muhammad und der Koran. Geschichte und Verkündigung des arabischen Propheten*, Urban Bücher, 32 (Stuttgart: Kohlhammer, 1957 [1966, 1972, 1976; 5th. rev. ed., 1980]).

۸. برای فهرستی از معرفی کتابهای وی نگاه کنید به «Paret-Bibliography»، ص ۱۳-۱۶.

اسلام، رسالت نبوی و نزول قرآن می‌پردازد، نخستین بار در سال ۱۹۵۷ انتشار یافت و تاکنون پنج چاپ از آن منتشر شده است. آخرین ویراست آن نسخه‌ای بود که وی سه سال پیش از مرگ خود تجدیدنظری را در آن اعمال کرده بود. پارت در این اثر کم‌حجم کوشیده است تا با ارائه تلفیقی از تاریخ شفاف محیط پیدایش اسلام و مراحل رشد اولیه این دین، خلاصه‌ای از نظریات عالمانه و گزیده‌هایی از قرآن را نیز به خواننده ارائه دهد. وی این کار را آنچنان خوب انجام داده است که این کتاب در بین کتابهای مشابه که به زبانهای اروپایی نوشته شده‌اند،^۹ هنوز هم یکی از جامع‌ترین آثار به حساب می‌آید.

علاقه پارت به ارائه دستاوردهای پژوهشهای خاورشناسی به عموم خوانندگان، در کتاب مختصر و معروف او با عنوان قرآن، ۱۹۷۹ (*Der Koran*)^{۱۰}، و در دیگر آثار اسلام‌شناختی وی نیز به چشم می‌خورد، به ویژه در سه اثر با عناوین:

۱. نمادین اسلام، ۱۹۵۸ (*Symbolik des Islam*)

- این اثر مجموعه گسترده‌ای از اندیشه‌ها، مناسک و اعتقادات نمادین مسلمانان را به صورتی فشرده مورد بحث قرار داده است.^{۱۱}

۲. هجوم اعراب به حوزه مدیترانه، ۱۹۵۸ (*Der Einbruch der Araber in die Mittelmeerwelt*)

- این کتاب شامل بحث جالب توجهی در مورد چگونگی گسترش دین اسلام بوده و چاپ نخست اثر در سال ۱۹۴۹ انتشار یافته است.^{۱۲}

۳. اسلام و سرمایه فرهنگ یونانی، ۱۹۵۰ (*Der Islam und das griechische Bildungsgut*)

- که به بحث نقش سنت اندیشه‌ورزی‌های یونانی در جامعه اسلامی پرداخته است.^{۱۳} دیگر مقالات یا فصلهای کتابهای پارت (که در آنها به بررسی جنبه‌هایی از تاریخ، فرهنگ و مذهب اسلام برای مخاطبان ناآشنا با آن مباحث پرداخته) نیز همگی گستره موضوعی

۹. نک. بیشتر، پاورقی ش ۷.

۱۰. نک. بیشتر، پاورقی ش ۶.

11. Vol. II of Ferdinand Hermann. ed., *Symbolik der Religionen* (Stuttgart: Hiersemann, 1958).

12. *Berckers Kleine Volksbibliothek*, 509 (Kevelaar: Butzon und Bercker, 1949 [2nd ed., n.d. (ca. 1950)]).

13. *Philosophie und Geschichte*, no. 70 (Tübingen: Mohr [P. Siebeck], 1950).

وسیعی را شامل می‌شوند.^{۱۴}

وی در این گونه آثار، مانند دستور زبان مقدماتی خود با عنوان درسنامه آموزش زبان عربی، (Kleine arabische Sprachlehre)^{۱۵} - که در اصل متن تجدید نظر شده کتاب دستور زبان ارنست هاردنر (Ernst Harder, 1934) است - علاقه دارد اطلاعات خود را به افراد غیرکارشناس انتقال دهد. در عین حال شاهد این هستیم که وی در کمک به یادگیری برخی اطلاعات و مهارت‌های عمومی، هم به نوآموزان و هم به متخصصان، از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. با این همه، اگر بخواهیم به زمینه‌های تخصصی‌تر مورد علاقه پارت اشاره کنیم، باید یادآور شویم که دروازه ورود او به حوزه پژوهش‌های عربی-اسلامی در حقیقت ادبیات عامیانه عربی بود. وی در دوره اول اقامت خود در توینگن، یعنی عمدتاً تا پیش از سال ۱۹۳۰، بیشتر در پی این نوع ادبیات بود. در طول این سالها، وی پیگیر تدوین رساله پایان‌نامه دکترای خود بود و ضمناً موفق شد چندین مقاله در مورد ادبیات عربی^{۱۶} منتشر سازد و دو تک‌نگاشت و یک کتاب نسبتاً پرحجم را نیز به خوانندگان عرضه کند. این دو تک‌نگاشت که هر دو در سال ۱۹۲۷ منتشر شدند، یکی با عنوان تاریخ اسلام در آینه ادبیات عامیانه عرب (Die Frūharabische Liebesgeschichten. Ein Beitrag zur Vergleichenden Literaturgeschichte) ^{۱۷} نمایانگر بازتاب تاریخ اسلام در ادبیات عامیانه عرب بود، و دیگری با عنوان قصه‌های عاشقانه عصر جاهلی؛ کوششی در زمینه تاریخ ادبیات تطبیقی^{۱۸}

Frūharabische Liebesgeschichten. Ein Beitrag zur Vergleichenden Literaturgeschichte
مجموعه‌ای از حدود دویست داستان کوتاه عاشقانه بود که از یکی از کتابهای ابن سراج

14. E.g., «Der Islam und die Araber bis gegen Ende des Mittelalters,» in *Die Neue Propylaen-Weltgeschichte*, ed. Willy Andreas (Berlin: Propylaen, 1940), II, 543-76.

15. Heidelberg: Groos, 1934 (10th ed. 1965).

16. E.g. «Das 'Tragische' in der arabischen Literatur. Eine Skizze,» *Zeitschrift für Semistik*, VI (1928), 247-52; VII (1929), 17-28. Reprinted in *Schriften zum Islam*, pp. 95-111. See also the Paret-Bibliography. p. 10. sect. «B». nos. 1-3.

17. *Philosophie und Geschichte*, 13 (Tübingen: Mohr [P. Siebeck], 1927); reprinted in *Schriften zum Islam*, pp. 71-93.

18. *Sprache und Dichtung. Forschungen zur Sprach- und Literaturwissenschaft*, eds. H. Maync and S. Singer, 40 (Bern: Paul Haupt, 1927).

(در گذشته به سال ۱۱۰۶ میلادی) برگرفته شده بود. کل کتاب که در سال ۱۹۳۰ انتشار یافت در واقع شامل مطالعه و بررسی مجموعه‌ای از قصه‌های عامیانه در مورد غزوات پیامبر اسلام بود که با عنوان ادبیات افسانه‌ای غزوات (۱۹) *Die Legendäre Maghazi-Literature* به چاپ رسید، و جالب این است که در زمینه این نوع ادبیات این کتاب هنوز هم تنها پژوهش گسترده و فراگیر تلقی می‌گردد.

با این همه، به دنبال نقل مکان پارت به هایدلبرگ در سال ۱۹۳۱، ادبیات عربی اهمیت برجسته قبلی خود را برای وی، از دست داد، هرچند او در اواخر عمر راجع به چند مسئله خاص ادبی نیز قلمفرسایی کرد.^{۲۰} سالهای اقامت پارت در هایدلبرگ، نه تنها شاهد آغاز علاقه جدی وی به مطالعه، پژوهش و ترجمه قرآن، بلکه حتی شاهد پژوهشهای جالب توجه او در زمینه مباحث مربوط به طرفداری از حقوق زنان در جامعه اسلامی امروز نیز بود. نتایج این نوع پژوهش در کتابی ارزشمند ولی کمتر شناخته شده با عنوان مسئله زنان در دنیای عربی - اسلامی، ۱۹۳۴ (*Zur Frauenfrage in der arabisch-islamischen Welt*) منتشر شد. این کتاب به شکلی نسبتاً مفصل به بررسی دیدگاه‌های پنج نویسنده مختلف مسلمان (از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۲) در قبال موضوع جایگاه زن مسلمان در جهان امروز می‌پردازد.^{۲۱} دو مورد از این پژوهشها عبارتند از بیان دیدگاه‌های فمینیستی مدون (یکی از سوی یک زن عرب، و دیگری از سوی یک مرد جامعه‌شناس عرب)، دو مورد دیگر عبارتند از واکنشهای مسلمانان محافظه کار نسبت به دیدگاه‌های گروه قبلی، و مورد آخر نیز در برگیرنده دیدگاه‌های محافظه کارانه رشید رضا در زمینه حقوق زنان است. این اثر (که اخیراً به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد پارت در قالب مجموعه‌ای از نوشته‌های کوتاه وی به چاپ رسیده است)^{۲۲} به

19. Subtitle: *Arabische Dichtungen über die muslimischen Kriegszüge zu Mohammeds Zeit* (Tübingen: Mohr [P. Siebeck], 1930).

20. E.g., «Die Legendäre Futuh-Literatur, ein arabisches Volksepos?», in *Atti del Convegno Internazionale sul tema: La poesia epica e la sua formazione* (Rome: Accademia Nazionale dei Lincei, 1970), pp. 735-47.

21. *Veröffentlichungen des Orientalischen Seminars der Universität Tübingen*, 8 (Stuttgart and Berlin: Kohlhammer, 1934).

22. *Schriften zum Islam* (see above, n. 2), pp. 135-205.

□ به یاد رودی پارت ۸۷

دلیل اهمیت تأثیرگذار آن در زمان انتشار، اکنون از برجستگی خاصی برخوردار است. از سوی دیگر، این اثر نشان دهندهٔ علاقهٔ مستمر و همیشگی پارت به دین اسلام و جایگاه آن در جهان معاصر است. میزان این علاقه و توجه در ۹ مقاله و یک جلد کتاب در مورد اسلام معاصر به خوبی پیداست، و می‌دانیم که وی تمام این آثار را در دوران بعد از پایان جنگ جهانی دوم به رشتهٔ تحریر درآورده بود.^{۲۳}

رودی پارت یکی از طرفداران همیشگی رشد و پیشرفت پژوهشهای خاورشناسی نیز به شمار می‌آمد. وی مقالات متعددی دربارهٔ ارزیابی وضعیت فعلی و آیندهٔ زمینه‌هایی همچون بازسازی تاریخ صدر اسلام،^{۲۴} مطالعهٔ زندگی پیامبر^{۲۵} و نیز پژوهشهای قرآنی،^{۲۶} چاپ و منتشر کرد. شاید بتوان از کتاب کم حجم آموزش زبان عربی و اسلام‌شناسی در دانشگاه‌های آلمان؛ آشنایی با شرق‌شناسان آلمانی از زمان تئودور نلدکه تاکنون، ۱۹۶۶

Arabistik und Islamkunde an deutschen Universitäten. Deutschen Orientalisten seit

Theodor Nöldeke به عنوان مشهورترین کتاب وی در جهان انگلیسی زبان نام برد.^{۲۷}

23. For the articles, see the Paret-Bibliography, pp. 10-12, nos. 9, 14, 18, 19, 26, 30, 31, 41, 42, and 55. The edited book is: *Die Welt des Islam und die Gegenwart* (Stuttgart: Kohlhammer, 1961).

24. «Die Lücke in der Ueberlieferung über den Urislam,» in Fritz Meier, ed., *Westöstliche Abhandlungen. Rudolf Tschudi zum siebzigsten Geburtstag* (Wiesbaden, 1945), pp. 147-53.

25. «Recent European Research on the Life and Work of Prophet Muhammad,» *Journal of the Pakistan Historical Society*, VI (1958), 81-96.

26. *Grenzen Der Koranforschung*;

نگاه کنید به همین مقاله، پیشتر، پاورقی ش ۷، که به آثار ترجمه‌ای ادوند بک، ریچارد بل، و رژی بلاشر می‌پردازد. نیز مقایسه کنید با مقالهٔ زیر که به توصیف رهیافت خود رودی پارت در ترجمهٔ قرآنش و اشاره به مسائلی تفسیری در امر ترجمه می‌پردازد:

«Zur Koranforschung,» in Gernot Rotter, ed., *Deutsche Orientalistik am Beispiel Tübingens, Arabische und Islamkundliche Studien* (Tübingen and Basel: Erdmann, 1947), pp. 43-52 (reprinted in part in *Schriften zum Islam*, pp. 206-12).

27. Wiesbaden: Franz Steiner, 1966. English version: *Study of Arabic and Islam at German Universities. German Orientalists since Theodor Nöldeke* (Wiesbaden: Steiner,

دو مورد دیگر از زمینه‌های مورد علاقه پروفیسور پارت، عبارت بود از تاریخ‌نگاری صدر اسلام (به‌ویژه تاریخ احادیث و سیره پیامبر) و مسئله احکام سنت شکنانه اسلام. وی با توجه به علاقه خود به مطالعه تاریخ‌نگاری دوره صدر اسلام، موفق شد چندین مقاله در مورد زندگی پیامبر اسلام و یا بازتاب زندگی آن حضرت در منابع اسلامی به رشته تحریر درآورد.^{۲۸} علاقه پارت به احادیث با دلبستگی او به زندگی پیامبر و قرآن و نیز با تدوین مجدد تاریخ صدر اسلام تفاوتی نداشت.^{۲۹} توجه خاص وی به احادیث باعث شد تا دست‌کم یک پایان‌نامه دکتری بسیار جالب توجه تحت نظارت وی نوشته شود که این پایان‌نامه با عنوان: *زمان و مکان وقوع احادیث Topoi und Schemata im Hadit* توسط اکهارت استتر (Eckhart Stetter) نوشته شد.^{۳۰} پارت در دوره زمانی بین ۱۹۶۰-۷۷ مجموعاً پنج مقاله در مورد حرمت تصویرگری در صدر اسلام و احکام خلاف عرف و سنت شکنانه فقه شیعی به رشته تحریر درآورد.^{۳۱} با مطالعه این مقالات می‌توان عمق علاقه وی به مسائل تاریخی مربوط به استفاده از احادیث (و سایر منابع استخراج احکام خاص) را به‌روشنی ملاحظه کرد. هرچند مسائل مهم‌تری مانند برداشت‌های نادرست مسلمانان از نقاشی موجودات زنده نیز از برجستگی خاصی برخوردارند.

تردیدی نیست که با وجود گستردگی زمینه‌های تحقیقی پیش‌گفته، هیچ‌کدام از این زمینه‌ها نشان دهنده عظمت ابعاد کارهای پژوهش پارت نیست، بلکه این همه فقط نشان دهنده مضامین عمده و نکات محوری پژوهش‌های وی می‌باشند. در هر صورت، نکته کلیدی پارت اعتقاد به محوریت نقش قرآن و پژوهش‌های قرآنی در حوزه تحقیقات اسلامی است و

1968).

28. E.g., «Das Geschichtsbild Mohammeds,» *Die Welt als Geschichte*, XI (1951), 214-24.

29. Cf. his articles, «Die Lücke in der Ueberlieferung über den Urislam» (پیشتر، پاورقی) and «Die Entstehungszeit des islamischen Bilderverbots,» *Kunst des Orients*, XI (ش ۲۴), (1977), 158-81 (reprinted in *Schriften zum Islam*, pp. 248-71).

از این دو مقاله، اولی به مسائل کلی متون روایی می‌پردازد، اما دومی پژوهشی خاص در باب احادیث مربوط به شمایل‌شکنی (iconoclasm) است.

30. Tübingen, 1965.

31. All five are reprinted in Paret's *Schriften zum Islam*, pp. 213-71.

این اعتقاد تقریباً در تمامی آثار وی متبلور شده است. پارت حتی زمانی که دانشجویی بیش نبود، کوشیده بود تا با کمک ترجمه آلمانی قرآن، این اثر را از آغاز تا پایان مورد مطالعه قرار دهد.^{۳۲} بی تردید مطالعه اولیه پارت در زمینه ادبیات عرب (به ویژه مطالعه افسانه‌های مغازی و به طور کلی مطالعه آثار موسوم به سیره) به شکل‌گیری این عقیده در او کمک کرد که قرآن از زمان پیامبر اسلام تاکنون به عنوان سندی منحصر به فرد، معتبر و کاملاً قابل اعتماد به شمار آمده است. بعدها نیز در آثاری که در اوایل دهه ۳۰ در مورد مسائل فمینیستی به رشته تحریر درآورد، این اعتقاد بیشتر در او راسخ شد که برای هر گونه احیا یا تحول بعدی در اعتقادات مذهبی و اجتماعی جامعه اسلامی (به ویژه در حوزه نظرات فقهی) تنها منبع ممکن، قرآن و تفسیر آن است. تأکید پارت بر قرآن، به عنوان تنها منبع کاملاً مطمئن و قابل اعتماد اطلاعات مورخان جهت شناخت جهان اسلام، در تمامی نوشته‌های وی درباره پیامبر اسلام و پیدایش دین اسلام به چشم می‌خورد.^{۳۳} همچنین، اعتقاد او مبنی بر نقش محوری و یگانه قرآن به عنوان تنها راه حل تفسیر دوباره هنجارها و مناسک دینی مسلمانان نیز در تمام آثاری که درباره اسلام معاصر و اندیشه‌های اسلامی جهان امروز به رشته تحریر درآورد به روشنی جلب یگانه قرآن به عنوان تنها راه حل تفسیر دوباره هنجارها و مناسک دینی مسلمانان نیز در تمام آثاری که درباره اسلام معاصر و اندیشه‌های اسلامی جهان امروز به رشته تحریر درآورد به روشنی جلب توجه می‌کند. موضوع نقش یگانه قرآن در اندیشه‌های پارت، بیش از همه در رهیافت تفسیری او در قبال ترجمه قرآن نمود یافته است. همچنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، وی در زمینه حکم تعیین معنا و مفهوم هر واژه و ترکیب قرآنی بر خلاف تفاسیر سنتی، بر مقایسه و انطباق درون متنی تأکید دارد. به اعتقاد وی، در صورت نارسایی تمامی دیگر منابع، باید متن قرآن را به عنوان تنها لنگرگاه مطمئن اطلاعات خود تلقی نماییم. در حقیقت این اندیشه جزو اصول اعتقادی تفکرات پارت محسوب می‌شود. در حقیقت، شاید

32. «Zur Koranforschung,» p. 43.

33. Ibid., pp. 43-49. Cf. His comment in *Zur Frauenfrage*, p. 6: «...Ich glaube, dass bei der Neugestaltung der islamischen Lebensordnung der Koran -- den Traditions- und Rechtsautoritäten gegenüber -- je länger je mehr zur einzigen, oder wenigstens zur ausschlaggebenden Richtschnur werden wird, -- soweit diese Neugestaltung sich überhaupt religiös-rechtlichen Gesichtspunkten unterordnen lässt.» p. 43.


اغراق نباشد که ادعا کنیم این اعتقاد پارت از جنبه‌های بسیاری او را در کنار مسلمانانی قرار می‌دهد که وی در سراسر عمرش آثار آنان را مورد مطالعه قرار می‌داد؛ هرچند اعتقاد او، عقیده‌ی یک مورخ غیرمسلمان بود که قرآن را سندی از آن پیامبر اسلام می‌دانست، در صورتی که اعتقاد مسلمانان به گونه‌ای است که قرآن را نص و عین کلام الهی می‌دانند. بدیهی است دیدگاه‌های پارت درباره‌ی قرآن، به نحوی است که به کنار آمدن با نظریات تندروانه‌ی قرآن‌شناسان جدیدتری (مانند جان وُنزُبِر و (John Wansbrugh) یا گونتر لولینگ (Günter Lüling) چندان روی خوش نشان نمی‌دهد. اما با این همه، وی علی‌رغم مخالفت شفاهی یا کتبی بسیار خود با این گونه‌ی نظریات، با آنها آشنایی داشت و آنها را به طور جدی مورد توجه قرار می‌داد. او جزء کسانی بود که به همان ترتیب که انتقادات خود را به صورت مستند مطرح می‌کرد، نتیجه‌گیری و نظریات خود را نیز مورد حک و اصلاح و نقد قرار می‌داد.

ارزیابی کارنامه‌ی علمی یک پژوهشگر کار ساده‌ای نیست، اما ار جگنداری نام و خاطره‌ی شخص، آن هم صرفاً با ارائه‌ی فهرست کوتاهی از آثار و علایق پژوهشی وی، نیز کاری است نه درخور. به همین دلیل امیدوارم اگر در پایان این گفتار ناچار به ذکر چند خاطره‌ی شخصی مختصر می‌شوم بر من ببخشایید. من نخستین بار زمانی که دانشجوی دوره‌ی دکتری بودم، برای حل یک مشکل مربوط به تدوین پایان‌نامه‌ام با رودی پارت آشنا شدم. در آن دیدار، هم از صدا و هم از سیمای او تحت تأثیر قرار گرفتم. آن خاطره را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم؛ صدا و کلامش شمرده بود و با متانت، و اندامش بلند و کشیده و پرابهت. طی یکی دو دهه‌ای که با او آشنایی و ارتباط داشتم، هیچ‌گاه در مکاتبه و گفت‌وگو با وی جز متانت، صداقت و یکرنگی عمیق و لطف و مهربانی ندیدم. زمانی که رسمی برخورد می‌کرد، خشک نبود که با او احساس رودربایستی کنی. مرا که در آن زمان دانشجوی کم‌سن و سال تحصیلات تکمیلی بودم آنچنان با احترام تمام با آغوش باز به خدمت پذیرفت که گویی من سالهاست در رده‌ی علما و پژوهشگران جا افتاده‌ی رشته‌ی تخصصی وی جا گرفته‌ام. استاد پارت میزبانی دست و دل باز بود و در هم‌کلام شدن با افراد نیز درنگ نمی‌کرد. خوب به یاد دارم که از ایام پرمالال جنگ جهانی دوم و از شبهای پریشان صحراهای پرستاره‌ی شمال آفریقا چه خاطره‌ها که در ذهن داشت. علاقه‌ی عمیق او به رهایی آن صحرا و صحرائشینان از مشکلات جنگ در تک‌تک سخنانش موج می‌زد. اصولاً دل‌باخته‌ی طبیعت بود. طی سالهایی که با او دوستی داشتم (و مطمئناً حتی قبل

□ به یاد رودی پارت ۹۱

از آشنایی من با وی نیز) می‌دیدم که آرزو دارد ایام گرم تابستان را در کوهستانهای باشکوه آلپ سپری کند، به ویژه در منطقه زیبای دولومیت در ایتالیا که او و همسرش حنا شیفته اقامت در آنجا بودند. رودی پارت برای حنا نیز همسری فداکار بود. تمامی کسانی که با پارت در دهه آخر عمرش رفت و آمد داشته‌اند خوب می‌دانند که او در مراحل متعدد و طولانی بیماری و بستری شدن‌های همسرش برای نگهداری از او در بردباری و خدمتگزاری سنگ تمام گذاشت. رودی و حنا هر دو زن و شوهری خوب و دوست داشتنی بودند، و من شخصاً خدای را شاکرم که موفق شدم در محیط خانوادگی گرم و صمیمی آنها در تپه‌های مشرف بر توبینگن چند صبحی میهمان آنها باشم.

اطمینان دارم جاودانگی یاد و خاطره رودی پارت فقط اختصاص به نقش وی در حوزه پژوهشهای خاورشناسی نخواهد داشت. **إِنَّ إِلِيَّ رَجْعِي** (سوره علق، آیه ۸)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی